

سبک زندگی سوء مصرف کنندگان مواد و افراد بهنجار: یک مقایسه مبتنی بر آدلری نگری

علیرضا آقاییوسفی*، دکتر محمد اورکی**، علی احمدی ازغندی***،

علی حسینیایی****، اعظم نوفرستی*****

دریافت مقاله :

۱۳۹۱/۱۰/۱۰

پذیرش:

۱۳۹۲/۲/۲۵

چکیده

هدف: سبک زندگی در سوء مصرف کنندگان مواد و افراد بهنجار شهر تهران بررسی شد.
روش: بدین منظور نمونه ۴۰۴ نفری (۱۹۱ سوء مصرف کننده و ۲۱۳ فرد بهنجار) از افراد ۴۵-۱۵ ساله ساکن در شهر تهران به روش نمونه برداری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و سپس به پرسشنامه سبک زندگی (کرن، ویلر و کارلت، ۱۹۹۷) پاسخ دادند.

یافته‌ها: نتایج نشان دادند که تفاوت بین دو گروه در سبک‌های تعلق پذیری - علاقه اجتماعی، توجه طلبی و محتاط بودن معنادار اما در دو سبک تبعیت جویی و ریاست طلبی معنادار نبود؛ تحلیل رگرسیون لجستیک نیز نشان داد که سبک تعلق پذیری - علاقه اجتماعی ۱۹٪ واریانس را بطور معنادار تبیین می‌کند و سایر ضرایب معنادار نبود.

نتیجه‌گیری: این یافته‌ها همسو با دیدگاه آدلری درباره تحول روان آزرده‌گی‌ها ضمن تایید تفاوت سوء مصرف کنندگان مواد و افراد بهنجار در سبک‌های زندگی بر اهمیت پیشگیرانه مداخله‌گری نخستین در این قلمروها در پیشگیری از سوء مصرف مواد تاکید دارند.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، سوء مصرف مواد، روان آزرده‌گی.

* دانشیار دانشگاه پیام نور.

** استادیار دانشگاه پیام نور.

*** دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور تهران. (نویسنده مسئول)

**** پژوهشگر مؤسسه پیشگیری از سوء مصرف مواد (مؤسسه داریوش).

***** کارشناس ارشد روانشناسی جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم تهران.

Email: agm.ahmadi356@gmail.com

مقدمه

در قلمرو شناخت عوامل مؤثر بر سوء مصرف مواد مخدر الگوهای دیرپای شخصیتی که خود متأثر از تحول شخصیت است همواره مورد تاکید بوده است (توریانو و دیگران^۱، ۲۰۱۲؛ کارلسون و اسروف^۲، ۱۹۹۵). سبک زندگی^۳ یکی از این الگوها است.

آلفرد آدلر^۴ از نخستین نظریه پردازانی است که در یک موضعگیری مبتنی بر روان تحلیلگری^۵ تلاش کرد تا به مسئله سبک زندگی بپردازد. بر اساس درجه هشجاری نسبت به تجهیزات سرشتی، چگونگی دریافت جهان برونی و توانایی خلاق است که کودک در نخستین سالهای زندگی، طرح و دریافت خود از جهان را فراهم می کند و آدلر این طرح اجمالی را سبک زندگی می نامد. غریزه، گرایش، احساس، فکر، عمل، باز خورد^۶ در برابر لذت و عدم لذت، خود میان بینی^۷ و یا احساس اجتماعی هر فرد در سبک زندگی وی متبلور می شود (اسپربر^۸؛ ۱۹۷۲، نقل از دادستان، ۱۳۷۶) بنابراین سبک زندگی دارای همه امکانات بیان است و

هر نقصی را باید در پویایی فرد و در هدف غایی سبک زندگی جستجو کرد و نه در شیوه بیانی که بر اساس این سبک زندگی به کار می رود (شافر^۹، ۱۹۷۶، نقل از دادستان، ۱۳۷۶).

امروزه این باور به خوبی پذیرفته شده که افراد مبتلا به اختلالهای سوء مصرف مواد به طور نوعی از همگنان بهنجار خود در ابعاد تعریف شده شخصیت از جمله هیجان پذیری منفی^{۱۰} که رگه های^{۱۱} واکنش پذیری^{۱۲} بالا، بدبینی^{۱۳} و روان آزرده گی گرائی^{۱۴} را در بر می گیرد به وضوح متفاوت اند (ماجی یرو دیگران^{۱۵}، ۲۰۱۲؛ پنی و دیگران^{۱۶}، ۲۰۱۱؛ لیرود و ردوکس^{۱۷}، ۲۰۰۰، فلوری و دیگران^{۱۸}، ۱۹۹۹). روانشناسی آدلری کوشش می کند نشان دهد که تحول روانی انسان و انحرافهای آن یعنی روان آزرده گی ها و روان گسستگی ها^{۱۹}، بر اساس باز خورد فرد در برابر منطق مطلق زندگی اجتماعی تعیین می شود، درجه انحراف یعنی حد سازش یافتگی با خواسته های همگانی و

9. Schaffer, H.
10. negative emotionality
11. trait
12. reactivity
13. pessimism
14. neurotism
15. Magyar, M. S., & et al
16. Pennay, A., & et al
17. Liraud, F., & Verdoux, H.,
18. Flory, K.,
19. psychosis

1. Turiano, N. A., & et al
2. Carlson, E.A. & Sroufe, L. A.
3. style of life
4. Adler, A.
5. psychoanalysis
6. attitude
7. ego centrism
8. Sperber, M.

اجتماعی مشخص کننده درجه و ماهیت اختلال‌های روانی است. فرد روان آزاده، روان گسسته و جر آن به سوی هدفی متوجه است که با هدف‌های گروه اجتماعی مغایرت دارد و تمامی نیروی وی در جهانی مملو از توهمات واهی به هدر می‌رود. تضادی که وی را در برابر واقعیت مطلق قرار می‌دهد تنها یک کنش دارد و آن تغییر شکل واقعیت و دور کردن فرد از آن است. چنین بازخوردی به هیچ‌گونه نارسایی عضوی نسبت دادنی نیست بلکه حاصل یک احساس کهنتری^۱ است که در زندگی کم و بیش دشوار دوره کودکی ریشه دارد. تجربه‌های واقعی کهنتری، شرایط بروز خطاهای مختلفی را فراهم می‌کنند که بر تحول روانی فرد تاثیر قاطع دارند، احساس کهنتری با یک حرکت جبرانی به سوی یک هدف برتری همگام است و محرک لازم برای حفظ جنبه‌های مفید زندگی است اما معنا و ارزش آن را باید در چگونگی به کار بستن آن جستجو کرد. در قلمرو غیر مفید کنار آمدن با احساس کهنتری که به انسان‌های واجد اختلال‌های روانی (از قبیل روان آزاده‌ها، روان گسسته‌ها، بزهکاران، قربانیان خودکشی، سوء مصرف‌کنندگان مواد و جز اختصاص دارد، کوشش‌ها به سوی برتری جوئی گرایش دارند از آنجا که هر حرکت روانی واجد قصد و هدفی

است بنابراین دانستن این نکته که فرد کدام یک از هدف‌ها را دنبال می‌کند بسیار پر اهمیت است اما همواره به علت مسایل متعددی که در زندگی مطرح می‌شوند، امکان گذار از قلمرو مفید به قلمرو غیر مفید وجود دارد (آدلر ۱۹۷۶، نقل از دادستان، ۱۳۷۶).

جنبه‌های غیر مفید کنار آمدن با احساس کهنتری بنیادی در واقع همان پاسخ‌های سازش نیافته در برابر زندگی از قبیل سوء مصرف مواد مخدر، الکلیسم، بدبینی، خودکشی و یا انواع روان‌آزردگی‌ها هستند که صرف نظر از وجود نارسایی عضوی در سبک زندگی نامناسب ریشه دارند. آدلر (۱۹۶۴، ۱۹۲۷) در این زمینه از دو سبک زندگی دوران کودکی به عنوان زمینه‌ساز تحول روان‌آزردگی در بزرگسالی نام می‌برد. سبک زندگی مبتنی بر ناز پروردگی که محور اغلب روان‌آزردگی‌هاست به شرایطی در کودکی اشاره دارد که در آن کودک میل نیرومندی نسبت به رابطه انگل‌وار با والدین دارد که انتظار مفرط مراقبت، محافظت و تامین نیازها از خصیصه‌های آن است. نتیجه این وضعیت که تحول روانی فرد را در بزرگسالی زیر تاثیر خود می‌گیرد، احساس دوست داشتنی نبودن، ناززنده‌سازی^۲، خود، مهارشدگی توسط والدین، مسئولیت ناپذیری در قبال دیگران و علاقه اجتماعی محدود است که پاسخ‌های سازش نیافته را برای

1. Inferiority feeling

2. disvaluation

فرد را در بزرگسالی مستعد روان آزردهایی می کند که سوء مصرف مواد از مصادیق بارز این روان آزردهایی ها است.

آدلر معتقد به وجود چهار سبک زندگی است: سلطه گر یا حکمران^۲، گیرنده^۳، سودمند اجتماعی^۴ و اجتنابی^۵ که بر اساس وظایف سه گانه یعنی روحیه اجتماعی یا مشارکت با مردم، زندگی عشقی و جنسی، تحقق خود در کار و مشارکت در آسایش عمومی به وجود می آیند. سبک زندگی سلطه گر یا حکمران که با بی توجهی به دیگران، علاقه اجتماعی محدود و خصومت ورزی همراه است می تواند زمینه گرایش به دیگر آزاری، بزهکاری، الکلیسم، اعتیاد و خودکشی را فراهم سازد. پژوهش های انجام شده در این قلمرو به وجود رگه های ضد اجتماعی و انزوای اجتماعی در افراد وابسته به مواد و الکل اشاره کرده اند (مهدیزاده زارع اناری و حاج حسینی، ۲۰۱۲؛ هوپلی و برونل^۶، ۲۰۱۲؛ نرویانو و گروس^۷، ۱۹۸۸؛ زوکر و گومبرگ^۸، ۱۹۸۶)؛ سبک زندگی گیرنده زمینه ایجاد وابستگی به دیگران است؛ سبک زندگی اجتنابی شخص را از مواجهه با مشکلات زندگی باز می دارد تا از شکست وی جلوگیری کند. در مورد ارتباط این سبک های زندگی با وابستگی به

مقابله با این وضعیت در فرد راه می اندازد که گرایش به تخدیر طلبی^۱، سوء مصرف مواد الکلیسم جزء این دسته از پاسخ های سازش نایافته است. از سوی دیگر سوء استفاده، کودک آزاری، بد رفتاری با کودک و بی توجهی به نیازهای بدنی و روانی او در سنین نخست تحول روانی که خصیصه سبک زندگی مبتنی بر بی توجهی است منجر به تحول علاقه اجتماعی محدود، عدم اعتماد به نفس، خصومت ورزی، عدم توجه به رفاه عمومی، حسادت و جز آن در بزرگسالی می شود (آدلر، ۱۹۶۴، ۱۹۲۷).

تعداد زیادی از تخدیر طلبی ها (از قبیل سیگار کشیدن، سوء مصرف انواع مخدر از جمله هروئین، تریاک، حشیش، و جز آن) در زمره روان آزردهایی جبرانی می باشند که در خدمت کنار آمدن با احساس کهنتری بنیادی هستند، کنار آمدنی که البته سازش نایافته می نماید و ریشه در سبک زندگی استقرار یافته ای دارد که به باور آدلر (۱۹۵۶) در کودکی (۴ یا ۵ سالگی) شکل می گیرد و از آن پس به سختی می توان آن را تغییر داد؛ سبک زندگی که تمام فعالیت های فرد پیرامون آن توحید یافته و استقرار می یابند. در نگاه آدلر انعطاف ناپذیری که ناتوانی در انتخاب راه های جدید پاسخ دهی به محیط اجتماعی فرد مشخصه بارز آن است، وجه مشخصه سبک زندگی سازش نایافته ای است که

- 2 . Dominant or rulling
- 3 .Getting
- 4 .Socially usefull
- 5 .Avoiding
- 6 . Hopley, A. A.B., and Brunelle,C.
- 7 . Nerviano, V. & Gross, H.
- 8 . Zucker, R. Gomberg, E.

1. taxicomania

مواد پژوهش‌های مبتنی بر نظریه آدلر (از قبیل کلونینگر، سیگوارلسون و بوهمن^۱، ۱۹۸۸) به رگه وابسته- فعل پذیر^۲ در شخصیت افراد وابسته به الکل اشاره کرده‌اند و بالاخره بنظر نمی‌رسد که سبک زندگی سودمند اجتماعی زمینه‌گرایش یا وابستگی به مواد باشد (کین، کلایتون و ویلر^۳، ۱۹۹۴).

کرن، ویلر و کارلت^۴ (۱۹۹۷) بر اساس نظام آدلر پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند و از این رهگذر پنج سبک زندگی را معین کرده‌اند که سبک‌های تعلق‌پذیری- علاقه اجتماعی^۵، تبعیت‌جویی^۶، ریاست‌طلبی^۷، توجه‌طلبی^۸ و محتاط بودن^۹ را در برمی‌گیرند. این سبک‌های زندگی مشابه سبک‌های زندگی سودمند اجتماعی، گیرنده، سلطه‌گر و اجتنابی در ادبیات آدلر می‌باشند. پژوهش‌های مختلف حاکی از وجود ارتباط بین این سبک‌ها با سوء مصرف مواد هستند. برای مثال بومن^{۱۰} (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای در مورد کاربرد مقیاس‌های اساسی آدلری در گسترش پرسشنامه موفقیت بین فردی بزرگسالان^{۱۱} (BASIS-AI) در جنوب شرقی

آمریکا دریافت که زیر مقیاس‌های تبعیت‌جویی (بطور منفی) ریاست‌طلبی (بطور مثبت) و توجه‌طلبی (بطور منفی) بین افراد دارای تشخیص سوء مصرف مواد و سایر تشخیص‌های روانپزشکی تمایز ایجاد کرد.

کیسی^{۱۲} (۱۹۹۷) در مطالعه سبک زندگی و مسند مهارگذاری^{۱۳} سوء مصرف‌کنندگان مواد بیماران سرپایی با استفاده از BASIS-AI دریافت که هیچ تفاوت معناداری بین دو گروه در مسند مهارگذاری وجود ندارد اما در تعلق‌پذیری- علاقه اجتماعی تفاوت‌ها معنادار است؛ دو گروه در مقایسه با افراد بهنجار در مقیاس تعلق‌پذیری- علاقه اجتماعی و توجه‌طلبی بالاتر بودند. این مطالعه نیز نشان داد که BASIS-AI می‌تواند بین سبک زندگی مصرف‌کنندگان مواد و افراد بهنجار تمایز قایل شود اما قادر به تمایز بین افراد معتاد و بیماران سرپایی نیست. کین، کلایتون و ویلر (۱۹۹۴) در مطالعه دانشجویان سال اول دریافتند که سبک زندگی همشکلی طلب^{۱۴}- فعل‌پذیر و علاقه اجتماعی با مصرف مواد ارتباط منفی دارد، اما سبک زندگی فعل‌پذیر - مهارگر^{۱۵}، فعل‌پذیر- استثمارگر^{۱۶} و فعال- استثمارگر^{۱۷} با مصرف مواد ارتباط مثبت و معنادار داشتند. شفرود و فارینگتون^{۱۸} (۲۰۰۳) نیز

- 1 . Cloninger, C., Sigvardson, S., Bohman, M.
2. Dependent - passive
3. Keene, K. Klayton, R., & Wheeler, M.S.
- 4 . Kern, R. M., Wheeler, M. S. & Curlett, W. L.
5. Belonging-social interest
6. Going along
7. Taking charge
8. Wanting recognition
- 9 . Being cautious
10. Bauman, G. S.
11. Basic Adlerian scales for Interpersonal success-Adult Inventory

- 12 . Casey, D. M.
13. Locus of control
- 14 . Conforming-passive
- 15 . Control-passive
- 16 . Exploiting-passive
- 17 . Exploiting -active
- 18 . Shepherd, J., & Farrington, D.

عدم ابراز محبت، نگرش منفی نسبت به خود ابراز گری و توجه طلبی فرزندان، پرخاشگری، طرد و بی توجهی نسبت به کودکان و عدم مشارکت دادن به کودکان در کارهای خانگی ویژگی بارز این سبک‌هاست.

همسو با این پژوهشگران رس و ویلبورن^۳ (۱۹۸۳) معتقدند جوانانی که در این خانواده‌ها با این سبک‌های زندگی تحول می‌یابند و بعدها به سوء مصرف مواد روی می‌آورند والدین خود را با رگه‌های شخصیتی همچون، فزون مهارگری، فزون حمایت‌گری، خصومت‌ورزی و جز آن توصیف می‌کنند. یافته‌هایی که به وضوح بیانگر سبک‌های زندگی سلطه‌گر، ریاست طلب و جز آن در مطالعه کرن ویلر و کارلت (۱۹۹۷) است و از سوی دیگر با دیدگاه آدلر (۱۹۶۴، ۱۹۲۷) در مورد اثر سبک زندگی مبتنی بر نازپرورگی و بی‌توجهی دوران کودکی بر رفتارهای سازش نایافته بزرگسالی از قبیل تخدیر طلبی و سوء مصرف مواد مطابقت دارند. بر اساس آنچه در نظام آدلر درباره سبک زندگی و تحول روان‌آزردگی‌ها به منزله راه‌های سازش نایافته کنار آمدن با مسایل زندگی ادعا شده است می‌توان در قلمرو سوء مصرف مواد به گسترش الگوی نظری ذیل پرداخت و آزمودن این الگوی نظری را در مد نظر قرار داد:

در پژوهش خود به سوء مصرف مواد به منزله یکی از رفتارهای مرتبط با سبک زندگی ضداجتماعی اشاره می‌کنند.

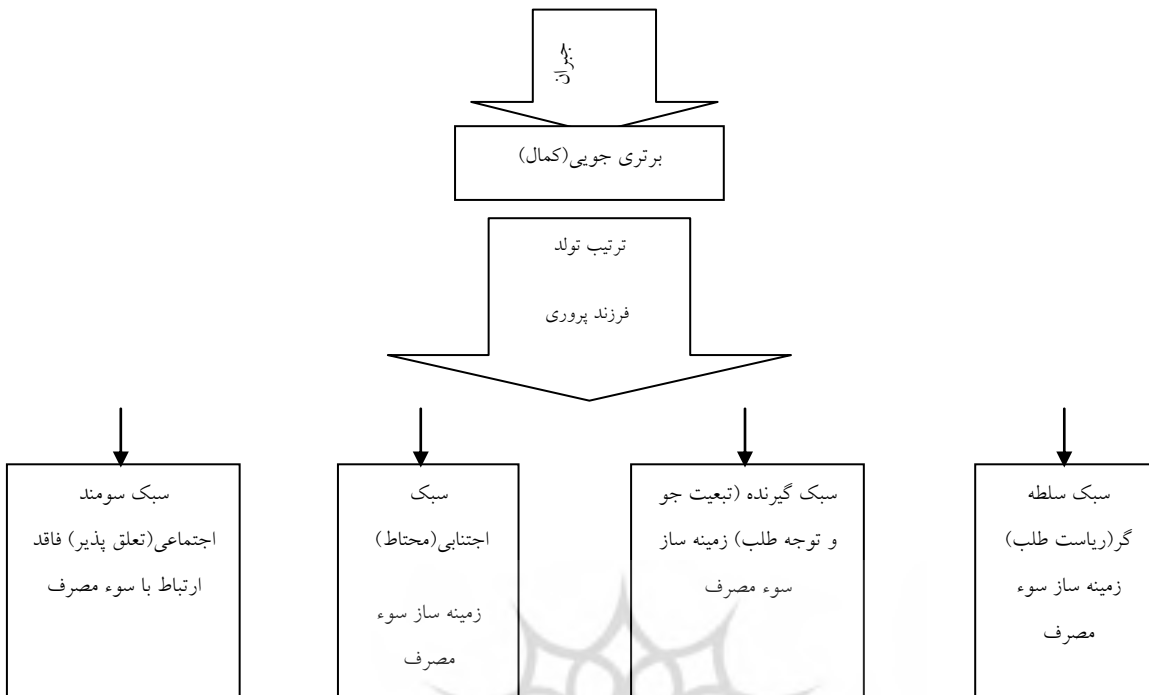
کوکوی و دیگران^۱ (۲۰۰۷) با مطالعه همبسته‌های روان‌شناختی و محیطی سوء مصرف مواد در نوجوانان شش کشور اروپایی (بلغارستان، کرواسی، یونان، رومانی، اسلونی و بریتانیا) دریافتند که یکی از قوی‌ترین عوامل مرتبط با مصرف مواد قانونی و غیرقانونی، الگوبرداری از همسالان و سبک زندگی همسال محور بود که رفتار ضد اجتماعی و مدرسه‌گریزی را دنبال داشت.

کانوی، اسوندسن، رونساویل و مریکانگاس^۲ (۲۰۰۲) در مطالعه رگه‌های بنیادین شخصیت در سوء مصرف کنندگان مواد نشان دادند که در بعد هیجان‌پذیری منفی که مجموعه‌ای از رگه‌ها به ویژه روان‌آزردگی را در بر می‌گیرد بین سوء مصرف کنندگان مواد و گروه کنترل (افراد فاقد سوء مصرف) تفاوت معنادار وجود دارد. یافته‌ای که همسو با دیدگاه آدلر (۱۹۵۰) در تحول روان‌آزردگی است.

زرنقاش و گودرزی (۲۰۱۰) در مطالعه اثر سبک‌الگوهای تعامل خانواده بر مصرف کنندگان سیگار و تریاک و مقایسه آن با افراد بهنجار اظهار می‌دارند که مصرف کنندگان مواد در خانواده‌های خود با سبک‌هایی از زندگی پرورش می‌یابند که

1 . Kokkevi, A.E., & et al
2 . Conway, K.P., Swendsen, J.D., Rounsaville, B.J., & Mathleen, K.R.

3. Ress, C.D. & Wilborn, B.L.



نمودار ۱. الگوی نظری سوء مصرف مواد مخدر بر اساس دیدگاه آلفرد آدلر

در بررسی پیشینه مسئله با فقدان قابل ملاحظه پژوهش‌هایی مواجهیم که بر پایه یک روی آورد نظری از نوع موضع‌گیری مبتنی بر روان تحلیل‌گری آدلر به دنبال آزمودن ادعای این نظریه در گستره عمل باشند. مع ذلک نگاه ویژه پژوهش حاضر به یک مبنای نظری در قلمرو سبک زندگی و گسترش آن با تمرکز بر یکی از مهمترین مشکلات و چالش‌های اجتماعی امروز جامعه ایرانی (سوء مصرف مواد) آن را از سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این قلمرو ممتاز می‌کند. با توجه به آنچه گذشت و مرور پیشینه موضوع، پژوهش حاضر بدنبال واری و آزمون فرضیه‌های زیر بود:

۱- بین افراد سوء مصرف کننده مواد و افراد بهنجار در سبک‌های زندگی تعلق‌پذیری - علاقه اجتماعی، تبعیت جویی، ریاست طلبی، توجه طلبی و محتاط بودن تفاوت معنادار وجود دارد.

۲- مؤلفه‌های سبک زندگی، سوء مصرف مواد مخدر را پیش‌بینی می‌کنند.

روش

پژوهش حاضر، یک پژوهش بنیادی و از نوع پس رویدادی (علی - مقایسه‌ای) بود. برای اجرای این پژوهش، ابتدا شهر تهران به سه منطقه شمال، جنوب و مرکز تقسیم شد. سپس پرسشنامه سبک

زندگی کرن، ویلر و کارلت (۱۹۹۷) به طور تصادفی بر روی افراد اجرا شد. منظور از سوءمصرف کنندگان مواد در این پژوهش کسانی بودند که در خلال یک ماه قبل از انجام پژوهش هر دو روز یک بار مواد مصرف کرده بودند. افراد بهنجار کسانی بودند که طی این مدت هیچ گونه ماده‌ای مصرف نکرده بودند. جامعه آماری کلیه سوءمصرف کنندگان مواد و افراد بهنجار ۴۵-۱۵ ساله شهر تهران را در بر می‌گرفت. گروه نمونه شامل ۴۰۴ نفر بود که به طور تصادفی از سه منطقه شمال، جنوب و مرکز تهران انتخاب شدند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران (رفیع پور، ۱۳۷۳) به دست آمد. روش نمونه‌گیری، روش تصادفی طبقه‌ای بود. بدین صورت که شهر تهران به سه منطقه شمال، جنوب و مرکز تقسیم شد و از هر منطقه حدود ۱۳۵ نفر به طور تصادفی انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از ابزارهای ذیل استفاده شد:

پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی: شامل متغیرهای جمعیت شناختی نظیر سن، جنس و جز آن بود.

پرسشنامه سبک زندگی: کرن، ویلر و کارلت

(۱۹۹۷) پژوهش‌هایی را بر اساس نظام آدلر انجام داده‌اند و مقیاسی را برای سنجش سبک زندگی با عنوان مقیاس‌های اساسی آدلری برای موفقیت بین فردی بزرگسالان (BASIS-AI) تهیه کردند. این پرسشنامه ۵ سبک زندگی، شامل تعلق پذیری-علاقه اجتماعی، تبعیت جویی، ریاست طلبی، توجه‌طلبی و محتاط بودن را دربر می‌گیرد. سؤال‌های ۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶ و ۴۱ به سبک تعلق پذیری-علاقه اجتماعی مربوطند؛ گویه‌های ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۲، ۴۷، ۵۲، ۵۷ و ۶۲ به طور معکوس سبک سازش‌کارانه را اندازه می‌گیرند؛ گویه‌های ۳، ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۳ و ۳۸ سبک ریاست طلبی را اندازه‌گیری می‌کنند؛ گویه‌های ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۴، ۴۹، ۵۴، ۵۹ و ۶۴ به سبک توجه‌طلبی مربوط می‌شوند و بالاخره گویه‌های ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵ و ۴۰ سبک محتاط بودن را اندازه می‌گیرند.

اعتبار^۱ این مقیاس روی ۹۹ نفر با دو روش بازآزمایی با فاصله زمانی یک ماه و برآورد همسانی درونی به روش محاسبه آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ضرایب زیر را به دست داد:

1 .reliability

جدول ۱. ضرایب اعتبار پرسشنامه سبک زندگی به دو روش بازآزمایی و همسانی درونی در پژوهش حاضر

خرده مقیاس های سبک زندگی	ضریب اعتبار	sig	ضریب اعتبار همسانی درونی
تعلق پذیری - علاقه اجتماعی	۰/۳۰	۰/۰۰۲	۰/۷۱
تبعیت جویی	۰/۳۴	۰/۰۰۱	۰/۷۷
ریاست طلبی	۰/۵۴	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹
توجه طلبی	۰/۱۷	۰/۹۲	۰/۸۰
محتاط بودن	۰/۳۶	۰/۰۰۰۱	۰/۷۸

جدول ۲. توزیع فراوانی افراد گروه نمونه به تفکیک دو زیرگروه مورد مطالعه

گروه ها	F	P
سوء مصرف	۱۹۱	۴۷/۳
بهنجار	۲۱۳	۵۲/۷

بررسی روایی این مقیاس با استفاده از ارزیابی روانشناسان که از آنها خواسته شده بود درباره محتوای مقیاس در سنجش سبک های زندگی بر مبنای نظام آدلر قضاوت کنند ضریب توافق ۰/۸۱ را به منزله شاخص روایی محتوایی به دست داد.

بدین ترتیب ۴۷/۳ درصد سوء مصرف کننده و ۵۲/۷ درصد بهنجار بودند. برای آزمون تفاوت بین گروه ها در سبک های زندگی آزمون t مستقل به کار گرفته شد (جدول ۳).

یافته ها

توزیع فراوانی افراد دو گروه مورد مطالعه (سوء مصرف کننده مواد و افراد بهنجار) در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۳. آزمون t برای مقایسه میانگین سبک‌های زندگی در دو گروه سوء مصرف کننده مواد و افراد بهنجار

sig	df	t	SD	M	گروهها	سبک زندگی
۰/۰۰۰۱	۳۷۴	۶/۳۹	۴/۸۴	۳۱/۳۷	سوء مصرف کننده بهنجار	تعلق پذیری - علاقه اجتماعی
۰/۸۱	۳۴۱	۰/۲۴	۶/۰۵	۲۷/۱۶	سوء مصرف کننده بهنجار	تبعیت جویی ریاست طلبی
۰/۴۳	۳۶۳	۰/۸۰	۵/۹۶	۲۷/۳۲	سوء مصرف کننده بهنجار	توجه طلبی
۰/۰۰۰۱	۳۶۵	۱۳/۲۷	۳/۷۴	۳۶/۲۶	سوء مصرف کننده بهنجار	محتاط بودن
۰/۰۰۰۱	۳۷۵	۹/۲۳	۶/۰۷	۱۹/۳۳	سوء مصرف کننده بهنجار	

نتایج آزمون t نشان داد که تفاوت بین افراد سوء مصرف کننده و بهنجار در سبک زندگی تعلق پذیری - علاقه اجتماعی، توجه طلبی و محتاط بودن معنادار اما در سبک تبعیت جویی و ریاست طلبی معنادار نیست. در سبک زندگی تعلق پذیری - علاقه اجتماعی و توجه طلبی، گروه بهنجار و در

سبک زندگی محتاط بودن افراد سوء مصرف کننده میانگین بالاتری داشتند. در ادامه برای آزمون فرضیه دوم پژوهش مبنی بر پیش بینی سوء مصرف مواد از روی مؤلفه‌های سبک زندگی رگرسیون لجستیک انجام شد (جدول ۴).

جدول ۴. نتیجه رگرسیون لجستیک سبک‌های زندگی بر سوء مصرف مواد

sig	df	Wald T	SE	بتا	سبک زندگی
۰/۰۲۴	۱	۵/۱۲	۰/۰۸۳	۰/۱۹	تعلق پذیری - علاقه اجتماعی
۰/۴۷	۱	۰/۵۰	۰/۰۸۴	-۰/۰۶	تبعیت جویی
۰/۱۴	۱	۲/۱۷	۰/۰۸۱	-۰/۱۲	ریاست طلبی
۰/۱۱	۱	۲/۵۲۶	۰/۰۷۹	۰/۱۳	توجه طلبی
۰/۳۲	۱	۰/۹۹	۰/۰۸۴	۰/۰۸	محتاط بودن
۰/۸۹	۱	۰/۶۹	۴/۸۲	-۱/۲۴	مقدار ثابت

نتیجه تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک تعلق پذیری - علاقه اجتماعی بطور معنادار بیشترین درصد واریانس یعنی ۱۹٪ را تبیین می‌کند. بقیه ضرایب معنادار نبود بطوری که سبک تبعیت جویی ۶٪، سبک

ریاست طلبی ۱۲٪، سبک توجه طلبی ۱۳٪ و سبک محتاط بودن ۸٪ واریانس را پیش بینی کردند. بنابراین معادله رگرسیون به صورت زیر صورتبندی شد:

$$y' = 1/24 + 0/139 X_1 + 0/06 X_2 + 0/12 X_3 + 0/13 X_4 + 0/08 X_5$$

جدول ۵. جدول برازش مدل با داده ها

sig	df	χ^2
۰/۰۵۴	۸	۱۲/۲۵

با نگاهی به جدول فوق به وضوح مشخص است که این مدل با داده‌ها برازش دارد، چه X^2 در سطح ۰/۰۵ معنادار است و آمار $2\log likelihood$ نیز ۵۰/۷۵ است که حاکی از برازش مدل با داده‌ها دارد.

بحث

مسئله مصرف مواد یکی از مشکلات اصلی جهان کنونی است و در حال حاضر بیش از سرطان یا ایدز، دل‌مشغولی متخصصان بهداشت جهانی را برانگیخته است و هزینه‌های مادی و معنوی سرسام‌آوری را بر جوامع کنونی تحمیل می‌کند (لشنر^۱، ۲۰۰۱ نقل از دادستان، ۱۳۸۷).

براساس نتایج پژوهش حاضر تفاوت بین دو گروه سوءمصرف‌کننده مواد و افراد بهنجار در سبک زندگی تعلق‌پذیری - علاقه اجتماعی، توجه طلبی و محتاط بودن معنادار اما در سبک‌های تبعیت جویی و ریاست طلبی معنادار نیست؛ گروه بهنجار در سبک تعلق‌پذیری - علاقه اجتماعی و توجه طلبی میانگین بالاتری دارد در حالی که در سبک محتاط بودن میانگین گروه سوء مصرف‌کننده مواد بالاتر است.

این یافته همسو با نظریه آدلر است. چه براساس پژوهش‌های مبتنی بر نظام آدلر (کین، کلایتون و ویلر، ۱۹۹۴) افراد دارای سبک زندگی سودمند اجتماعی کمتر به روان‌آزردگی و ناهنجاری اجتماعی از جمله سوء مصرف مواد روی می‌آورند. این یافته با پژوهش بومن (۲۰۰۰) همخوان نیست، چه در پژوهش اخیر این سبک بین گروه‌های وابسته به مواد و غیر وابسته تفاوت ایجاد نکرده بود. البته در

پژوهش اخیر گروه غیروابسته به مواد افراد مبتلا به سایر تشخیص‌های روانپزشکی بودند و شاید دلیل اصلی این تناقض همین امر باشد اما تلویحات این یافته به گونه دیگر در پژوهش‌های تریانو (۲۰۱۲)، کیسی (۱۹۹۷)، کوکوی و دیگران (۲۰۰۷) و زرنقاس و گودرزی (۲۰۱۰) تکرار شده است. معناداری تفاوت دو گروه در مقیاس توجه طلبی نیز با یافته‌های کیسی (۱۹۹۷) و بومن (۲۰۰۰) همسویی نشان می‌دهد.

در مورد معناداری تفاوت دو گروه در سبک زندگی محتاط بودن دلیل فقدان پژوهش‌های صورت گرفته در این قلمرو نمی‌توان با قاطعیت چیزی اظهار نمود هر چند به طور کلی بررسی‌های اندک (از قبیل بومن، ۲۰۰۰) که از پرسشنامه BASIS-AI استفاده کرده‌اند با یافته پژوهش حاضر همسو به نظر می‌رسند.

سبک تبعیت جویی و ریاست طلبی بین دو گروه تفاوت معناداری نشان نداد. این موضوع اگرچه با پژوهش بومن (۲۰۰۰) ناهمخوان است با وجود این، چون در پژوهش اخیر گروه غیروابسته به مواد افراد دارای سایر تشخیص‌های روانپزشکی بودند، نمی‌توان مقایسه کاملی انجام داد.

نتیجه رگرسیون لجستیک که حاکی از معناداری تفاوت دو گروه در سبک زندگی تعلق‌پذیری - علاقه اجتماعی با بیشترین درصد واریانس تبیینی است افزون بر تایید یافته‌های پژوهش‌های مبتنی بر دیدگاه آدلر (از قبیل نریویانو و گروس، ۱۹۸۸؛ کین، کلایتون و ویلر، ۱۹۹۴ و بومن، ۲۰۰۰) با سایر بررسی‌های صورت گرفته در این قلمرو از جمله کیسی (۱۹۹۷) نیز همسو نشان می‌دهد.

1. Leshner, A.I.

اگر از چهارچوب انعطاف ناپذیر مبتنی بر کمی‌نگری به سمت اتخاذ یک روی آورد^۱ نظری حرکت کنیم و از موضع آدلری‌نگری^۲ به بحث از نتایج پردازیم وضعیت متفاوت خواهد بود. اگر همسو با آدلر (۱۹۷۶) بپذیریم که روان‌آزردگی، مشکلات رفتاری، انحرافات اجتماعی و بزهکاری به طور کلی و سوء مصرف مواد به منزله جلوه خاصی از این مشکلات در واقع پاسخ‌های سازش نیافته در برابر زندگی و به زبان آدلری جنبه غیر مفید جبران احساس کهنتری بنیادی است؛ اساس تمامی سازش نیافتگی‌ها علاقه اجتماعی محدود و تحول نیافته است (آدلر، ۱۹۵۶)؛ سبک زندگی نامناسب در کنار نقایص عضوی مهمترین عوامل برونی تمام سازش نیافتگی‌ها است (آدلر، ۱۹۶۴) و بالاخره این سبک زندگی در چهار یا پنج سالگی به استقرار یافتگی لازم می‌رسد و پس از آن تغییر و مداخله در آن به سختی صورت می‌پذیرد (آدلر، ۱۹۵۶) در این صورت پیشگیری زودرس در خلال فرایند تحول روانی و در سنینی که سبک زندگی در حال شکل‌گیری است آنهم در وضعیت‌های تعامل والد-کودک (وضعیت‌های فرزند پروری) که باید با هدف گسترش علاقه اجتماعی و تقویت سبک زندگی تعلق‌پذیری-علاقه اجتماعی صورت پذیرد نخستین مسئله است که در سطح پیشگیری مهم به نظر می‌رسد. چه افزون بر این موضع‌گیری نظری، نتیجه پژوهش حاضر در کنار سایر مطالعات موجود در این قلمرو به وضوح حاکی از نارسایی سبک زندگی سوء مصرف کنندگان مواد به ویژه نارسایی و تحول نیافتگی علاقه اجتماعی آنهاست اما نحوه

مداخله‌گری^۳ در فرایند تحول یافتگی سبک زندگی مهمترین مسئله است که کاربرد تلویحات حاصل این موضع‌گیری را دشوار می‌سازد.

اگر چه آدلر سبک زندگی را در چهار یا پنج سالگی استقرار یافته تلقی می‌کند اما تغییر آن را از طریق روان‌درمانگری و تربیت امکان‌پذیر دانسته و هیچ‌از پیش تعیین شدگی^۴ ارثی برای آن قائل نیست اما از طرفی با اتخاذ تقدم یک روی آورد پیش‌گیرانه نسبت به مسائل حاصل از سوء مصرف مواد، قسمت عمده این مداخله‌گری‌ها باید در سطح والدین صورت پذیرد، چه انتظار اینکه کودک چهار یا پنج ساله هدف مداخله‌گری‌ها باشد اگر غیر واقع‌بینانه نباشد تا حد قابل ملاحظه‌ای دشوار به نظر می‌رسد.

آدلر (۱۹۶۴) در گستره عوامل برونی سازش نیافتگی‌ها دو سبک زندگی مبتنی بر ناز پروردگی و بی‌توجهی را عوامل اصلی می‌داند. از این موضع والدین هدف این مداخله‌گری‌های پیش‌گیرانه در قلمرو تربیت هستند چه رفتار توأم با فزون‌حمایتگری و فزون‌مهارگری در سبک زندگی مبتنی بر ناز پروردگی کودک را لوس، ناز پرورده و در انتظار حمایت دائم دیگران باقی نگاه می‌دارد و استمرار این خصیصه‌ها در بزرگسالی می‌تواند باعث شود تا در مواقع مواجه با ناکامی یا بروز مشکل جهت حفظ وضعیت کنش‌وری^۵ بهینه که به شکل وهمی از فرد در مقابل احساس کهنتری حمایت می‌کند گرایش به سوء مصرف مواد در این وضعیت بروز کند. از سوی دیگر تنفر از کودک، طرد وی، بی‌توجهی و غفلت نسبت به او، کودک‌آزاری، سوء

3 . intervention
4. predetermination
5 . functioning

1. approach
2 . adlerism

استفاده از کودک و موارد مشابه که خصیصه سبک زندگی مبتنی بر بی‌توجهی است باعث تحول احساس نارزنده سازی در کودک شده و زمینه گرایش به سوءمصرف مواد را در بزرگسالی برای کودک ایجاد می‌کند (رس و میلبرن، ۱۹۸۳؛ زرنقاس و گودرزی، ۲۰۱۰) و به تعبیر منصور (۱۳۷۵) کودک را در حد تصورات خود همواره در سرزمین دشمن نگه می‌دارد. آدلر تحول احساس اجتماعی را در تربیت کودکان امری اساسی و در فرآیند درمانی اختلال‌هایی که مبنای روانزاد دارند امری ضروری و لازم می‌داند. در حدی که راه حل مسایل زندگی (شغل، عشق و رابطه با دیگران) خواستار نوعی شکفتگی این احساس باشد خانواده^۵ و در وهله نخست مادر- باید به بیداری این احساس و گسترش بعدی آن کمک کند. مدرسه در صورت نارسایی تربیت خانوادگی می‌تواند این وظیفه را به ثمر برساند. جریان آموزشی که با زندگی روزمره کودک درآمیخته است فرصت مناسبی برای کشف این نارسایی‌ها و شکفتگی احساس اجتماعی کودک است. در چشم‌انداز نظام آدلر بروز روان آزرده‌گی به منزله تظاهر اجتماعی یک شخصیت است. تظاهری که مسایل زندگی آن را به وجود می‌آورند و او راه حل آنها را نمی‌داند یا گمان می‌کند که نمی‌داند. در واقع عقده کهرتری و تحول نارسای احساس اجتماعی اهرم‌های پدیدآورنده آن هستند (منصور، ۱۳۷۵).

با این مبنای نظری تحول احساس اجتماعی در کودک به منزله اقدامی پیشگیرانه از رهگذر راهبردهای تربیتی و با استمداد از روانشناسی پرورشی آدلر باید در پیشگیری از سوءمصرف مواد در بزرگسالی همواره مد نظر نظام‌های آموزشی در دستگاه تعلیم و تربیت و

خانواده‌ها باشد. چیزی که از رهگذر مداخله در سبک زندگی و با هدف گسترش و تقویت سبک زندگی تعلق‌پذیری^۶ علاقه اجتماعی یا به تعبیر آدلر سبک سودمند اجتماعی به دست می‌آید. این نتیجه مبتنی بر آدلری‌نگری در قلمرو تحول اجتماعی شدن فرد در پژوهش‌های مختلف از جمله (حقین، ۱۳۸۴) به صراحت وجود دارد.

استفاده از گروه نمونه کوچک، عدم توجه به نوع سوءمصرف در گروه‌بندی که باعث شد بلحاظ نوع، درجه و میزان سوء مصرف مواد بین افراد هیچ تفکیکی صورت نگیرد در کنار استفاده از یک ابزار مبتنی بر خود گزارش‌دهی که تلویحا به منزله عدم انجام هیچ مداخله‌ای در وضعیت‌های طبیعی تعاملات درون خانوادگی بمنظور تعیین و سنجش سبک زندگی است از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود و لذا انجام پژوهش‌هایی با گروه‌های نمونه بزرگتر و با کاربردی‌های آزمایشی دقیق در روش که تشخیص‌های روانپزشکی احتمالی و نیز نوع، میزان و درجه وابستگی به مواد در قلمرو کلی سوء مصرف را بطور دقیق مشخص کنند جهت افزایش اعتبار بیرونی و درونی پژوهش به علاقه‌مندان پژوهش در این گستره پیشنهاد می‌شود.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم که از همکاری و حسن تعامل و همراهی مدیران و پرسنل محترم موسسه مطالعات و پیشگیری از سوءمصرف و وابستگی به مواد مخدر (مؤسسه داریوش) که افزون بر اینکه مقاله حاضر از طرح پژوهشی اجرا شده توسط آن مؤسسه استخراج شده است نهایت همکاری و همراهی خود را با مجریان و دست‌اندرکاران پژوهش داشته‌اند صمیمانه سپاسگزاری کنیم.

منابع

- حق بین، م. (۱۳۸۴). به کار بستن ریخت شناسی والدینی بومریند در دبیرستان‌ها: به سوی یک نظریه میان برد اجتماعی شدن مقتدرانه. فصلنامه روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی). ۲۲۸-۳-۲۲۷.
- منصور، م. (۱۳۷۵). احساس کهنتری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دادستان، پ. (۱۳۷۶). آدلر و آدلری نگری. مجله روانشناسی (دوره جدید) ۴، ۳۰۳-۳۲۹.
- دادستان، پ. (۱۳۸۷). روانشناسی جنایی. تهران: سمت.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۳). کندوکاوها و پنداشته‌ها، مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی. تهران، شرکت سهامی انتشار.
- Adler, A. (1927). *Understanding of human nature*. New York: Greenberg.
- Adler, A. (1950). *Le Sens de la vie*, Paris: paylot.
- Adler, A. (1956). *The individual psychology of Alfered Adler: A systematic presentation in selections from his writings* (H.L. Ansbacher & R.A. Ansbacher Eds.). New York: Norton.
- Adler, A. (1964). *Superiority and social interest: A collection of later writings* (H.L. Ansbacher & R.A. Ansbacher Eds.). New York: Norton.
- Adler, A. (1976). *Le temperament nerveux, paris: Paylot*.
- Bauman, G. S. (2000). Clinical usefulness of the BASIS-A inventory with substance abusers. Dissertation of Georgia state university.
- Carlson, E.A. & Sroufe, L. A. (1995). *Contribution of attachment theory to development*. New york : Wiley.
- Casey, D. M. (1997). The BASIS-A inventory of life style and locus of control: outpatient substance abusers and non-substance abusers. Dissertation for Adler school of professional psychology.
- Conway, K.P., Swendsen, J.D., Rounsaville, B.J., & Mathleen, K.R. (2002). Personality, drug of choice, and comorbid psychopathology among substance abusers. *Drug and alcohol dependence*. 65, 225-234.
- Cloninger, C., Sigvardson, S., Bohman, M. (1988). Childhood personality predicts alcohol abuse in young adults. *Alcoholism: Clinical and Experimental Research*. 12, 494-505.
- Flory, K., Lynam, D., Milich, R., Leukefeld, C., & Clayton, R., (1999). Personality correlates of substance use and antisocial behavior: Poster presented at society for prevention research.
- Hopley, A. A.B., and Brunelle, C. (2012). Personality mediators of psychopathy and substance dependence in male offenders. *Addictive Behaviors* 37 (2012) 947-955.
- Keene, K. Klayton, R., & Wheeler, M.S. (1994). Substance use in college freshman and Adlerian life style themes. *Individual psychology*. 50(1), 97-109.
- Kern, R. M., Wheeler, M. S. & Curlett, W. L. (1997). BASIS-A inventory interpretive manual: A psychological theory. Highlands, NC: TRT Associated.
- Kokkevi, A.E., Arapaki, A. A. Richardson, C. Florescu, S., Kuzman, M. & Stergar, E. (2007). Further investigation of psychological and environmental correlates of substance use in adoloscence in six European countries. *Drug and Alcohol Dependence*, 88, 308-312.
- Liraud, F., & Verdoux, H., (2000). Which temperamental characteristics are associated with substance use in subjects with psychotic and mood disorders? *psychiatry research*. 93, 63-72.
- Magyar, M. S., Edens, J. F., Lilienfeld, S.O., Douglas, K. S., & Poythress Jr,

- N.G. (2011). Examining the relationship among substance abuse, negative emotionality and impulsivity across subtypes of antisocial and psychopathic substance abusers. *Journal of Criminal Justice* 39 (3), 232-237.
- Mehdizadeh Zare Anari, A, And Hajhoseini, F. (2012). P-67 ° The relation between emotional intelligence and instable personality in substance abusers. *European journal of Psychiatry* 27, 1.
- Nerviano, V. & Gross, H. (1983). Personality types of alcoholics on objective inventories: a review. *Journal of Studies on Alcohol*. 44, 837-851.
- Pennay, A., Cammeron, J., Richert, T., Strickland, H., Nicole, K. Lee., Hall, K., & Lubman, D.L. (2011). A systematic review of interventions for co-occurring substance use disorder and borderline personality disorder. *Journal of Substance Abuse Treatment* 41, 363-373.
- Ress, C.D. & Wilborn, B.L. (1983). Correlates of drug abuse in adolescents: A comparison of family of drug abuse with families of non-drug users. *Journal of youth of adolescence*, 72, 55-63.
- Shepherd, J., & Farrington, D. (2003). The impact of antisocial life style on health. *British Medical Journal*. 236 (7394), 834-836.
- Turiano, N. A., Whiteman, S. D., Hampson, S. E., Roberts, B. W., & Mroczek, D. K. (2012). Personality and substance use in midlife: Conscientiousness as a moderator and the effects of trait change. *Journal of Research in Personality* 46, 295-305.
- Zarnaghash, M. & Goodarzi, M.A. (2010). Study of the effect of family patterns style on opium abusers, cigarette abusers and normal group. *procedia social and behavioral sciences*. 5, 78-81.
- Zucker, R. Gomberg, E. (1986). Etiology of alcoholism reconsidered: The case for a biopsychosocial process. *American Psychologist*, 41, 783-793.